

فتح مسکو به دست تیمور: بررسی روایت تاریخ نگاران ایرانی و غیر ایرانی

دکتر غلامرضا امیرخانی عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چکیده

رویدادهای پس از نبرد مورخ ۷۹۷ ق. بین امیر تیمور گورکانی و توقتمش، فرمانروای اردوی زرین که در کنار رود ترک به وقوع پیوست، در منابع مختلف به صورت های گوناگونی ذکر شده است. در حالی که اغلب تاریخ نگاران تیموری بر فتح مسکو به دست تیمور پس از غلبه بر توقتمش تصریح کرده اند، مورخان و منابع غربی اعتقاد دارند که تیمور مسکو را تسخیر نکرد و بلکه چنین نیتی را هم در سر نداشت. این تحقیق بر آن است تا با بررسی روایت ها و منابع گوناگون، تحلیلی درباره این رخداد تاریخی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: تیمور، توقتمش، مسکو، تاریخ نگاران تیموری، اردوی زرین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲

E-mail: amirkhani@nlai.ir

مقدمه

امیر تیمور گورکانی (حک: ۷۷۱ - ۸۰۷ ق.) از جمله فاتحان نامدار تاریخ آسیا و جهان به شمار می‌رود که تا واپسین روزهای زندگی در اندیشهٔ نبرد و کسب پیروزی‌ها و کشورگشایی‌های جدید بود. وی که در طول چهار دهه کشاکش‌های نظامی، دشمنان گوناگون و قدرتمندی را شکست داده و منکوب کرده بود، تا آخرین ساعات حیات پرماجرایی خود، رؤیای فتح چین را در سر می‌پروراند که اجل مهلتش نداد و در حین لشکرکشی به قصد سرزمین پهناور چین در شهر اترار از دنیا رفت. سیاههٔ رقیبان تیمور، خود فهرست بلند بالایی است از حاکمان محلی ایران، خان‌های ماوراءالنهر، سلاطین هند و عثمانی، حاکمان دمشق و بغداد و تعداد کثیر دیگری از جنگاوران و قدرتمندانی که سرنوشت همگی ایشان یکسان بود: شکست به دست تیمور و در بهترین حالت، گریختن از مقابل وی، آن گونه که سلطان احمد جلایر در چند نوبت توانست به رغم شکست در میدان جنگ، جان خود را نجات دهد. در بین مغلوبان غیر ایرانی تیمور، برخی نام‌ها برجسته‌تر است. از آن جمله سلطان ایلدروم بایزید عثمانی که در پی شکست در نبرد آنقره، به اسارت تیمور درآمد و در همان اسارت جان باخت. نبردی که به اعتقاد ویل دورانت موجب شد قسطنطنیه، پایتخت بیزانس، جشن شادی گرفته و عالم مسیحیت برای مدت نیم قرن به برکت مجاهدت تاتارها از چنگ ترک‌ها رهایی یابد (دورانت، ۱۳۶۸: ۷۹۲). و مغلوب نام‌آور دیگر توقتمش، فرمانروای قدرتمند اردوی زرین آلتین اردو که شکست واپسین او در برابر تیمور، اسباب زوال اردوی زرین را فراهم ساخت. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و بر پایهٔ منابع دست اول مورخان تیموری و همچنین متون تاریخی غربی به مسألهٔ فتح مسکو به دست تیمور در پی غلبهٔ او بر توقتمش در سال ۷۹۷ ق. مصادف با سال ۱۳۹۵ میلادی پرداخته و سعی دارد تا از چگونگی اختلاف روایت در منابع فوق‌الذکر تحلیلی ارائه دهد.

توقتمش (۱)، خان قبچاق و فرمانروای اردوی زرین

توقتمش را آخرین فرمانروای قدرتمند اردوی زرین دانسته‌اند که سال‌های پایانی قرن هشتم میلادی بر دشت قبچاق فرمان می‌راند. مولف ظفرنامه وی را بیست و سومین خان از نسل چنگیزخان می‌داند که بر دشت قبچاق حکومت کرده‌اند (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۸۲). وی در جوانی به خدمت تیمور درآمد و تیمور نیز حمایت فراوانی از او به عمل آورد. تلاش‌های اولیه او برای تصرف نواحی شرقی دشت قبچاق، قرین با ناکامی بود. حتی در یک نوبت تا دم مرگ پیش رفت که با

خوش اقبالی به دست امیر ایدگو که از سرداران تیمور و از قبیله برلاس بود، نجات یافت. سرانجام در هجوم سال ۷۸۰ق. با پشتیبانی همه جانبه تیمور، به پیروزی رسید و با فتح سغناق (۲) در آنجا سکه ضرب کرد.

از این پس دشت قیچاق شاهد طلوع ستاره اقبال توقتمش و قدرت یابی روزافزون او بود. وی در کمتر از دو سال موفق شد، شهرهای سرای و حاجی ترخان (آستاراخان) را تصرف و در آن‌ها سکه به نام خویش ضرب کند. تکاپوهای او، اتحاد و احیای قدرت سرزمین اردوی زرین را بعد از بیست سال هرج و مرج در پی داشت. توقتمش نتیجه پیروزی‌های خویش را به آگاهی شاهزادگان مسکو و لیتوانی رساند و ادعای خراج کرد (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۴). خودداری شاهزادگان روس از گردن نهادن به توقتمش، موجبات حمله وی به مسکو را فراهم ساخت. روس‌ها که در نبرد سال ۷۸۱ ق. در سرچشمه های رود دن، طعم پیروزی بر سپاه مغولان را چشیده بودند، امید داشتند، در برابر حملات توقتمش مقاومت کنند. ولی محافظان شهر به رغم در اختیار داشتن توپ‌های جنگی شکست خوردند. سپاه تاتار مسکو را غارت کرد و کثیری را از دم تیغ گذراند. وجود سکه‌های ضرب مسکو که نام توقتمش به زبان عربی بر آنها حک شده، یادگاری از همین دوران است (بریانچانینوف، ۱۳۵۷: ۵۶؛ والتر، ۱۳۶۳: ۱۵۷).

قدرت روز افزون توقتمش، داعیه سروری بر جهان مغولی را در ذهن او پروراند. این طرز تفکر، رویارویی ناگزیری با تیمور را رقم زد. دو متحد پیشین به دشمنان سرسخت یکدیگر تبدیل شدند. در اولین برخورد مهم، میرانشاه، فرزند تیمور موفق شد سپاه توقتمش را که از در بند گذر کرده بودند، در ناحیه اران شکست دهد. مدتی بعد توقتمش از غیبت تیمور استفاده کرد و با شکست عمرشیخ فرزند دیگر تیمور، بخارا را محاصره و شهرهای قرشی و زنجیر سرای را غارت کرد. به رغم تمام ماجراجویی‌های توقتمش و حتی تحركات سیاسی او در اتحاد با دیگر دشمنان تیمور؛ نظیر سلطان برقوق، حاکم مصر، تیمور کماکان به فکر مصالحه با او بود. بر این اساس نامه‌ای را خطاب به وی در جمادی الاول سال ۷۹۷ ق. نوشت تا نشان دهد همچنان برای بازماندگان مغولان احترام قائل است. این اقدام هم سودی نبخشید و نهایتاً تکلیف‌کار به نبرد واپسین این دو سردار در دره رود ترک موکول شد. در این نبرد بیش از نیم میلیون جنگجوی ترک و تاتار در برابر هم قرار گرفتند. بنا به قولی، این جنگ سخت‌ترین نبرد تیمور بود و حتی نبرد تن به تنی بین خود او و توقتمش روی داد. کلاه خود و شمشیر تیمور بر زمین افتاد و اگر دشنه توقتمش پنج انگشت بلندتر بود؛ تیمور به قتل می‌رسید. در حالی که دو سپاه در وضعیتی تقریباً برابر بودند، توقتمش به دلیلی نامعلوم رو به فرار گذاشت (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۳۱).

شکست توقتمش در این نبرد سرنوشت ساز، بار دیگر اردوی زرین را دچار ضعف و گسیختگی کرد. سپاه تیمور، قلمروی توقتمش و از جمله پایتخت او شهر سرای را غارت کرد. بارتولد معتقد است اجساد بی سر و دستی که در کشفیات باستان‌شناسی اوایل قرن بیستم در ناحیه تزارف امروزی یافت شد، بقایای جنایت‌های سپاهیان تیمور در فتح سرای است (همان: ۷۳۲). این شکست توقتمش را به رغم تکاپوهای جسته و گریخته بعدی در دشت قیچاق، از صحنه سیاسی منطقه تقریباً حذف کرد و نهایتاً در همان سالی که تیمور از دنیا رفت (سال ۸۰۷ ق.)، در سیبری غربی توسط مأموران امیر ایدگو که اتفاقاً یک بار او را از مرگ نجات بخشیده بود، به قتل رسید (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۵). هر چند که منابع روسی قتل توقتمش را به دست سربازان شادی‌بیگ، خان قیچاق می‌دانند (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۳۴). تاریخ فوت او هم محل اختلاف است. سخاوی بر این باور است که توقتمش در سال ۷۹۸ ق. یعنی یک سال پس از نبرد واپسینش با تیمور، کشته شد (سخاوی، ۱۹۹۲: ۳۸۷).

نبرد نهایی تیمور و توقتمش و تحلیل روایات مربوط به فتح مسکو

تیمور در سال ۷۹۶ ق. و پس از تسخیر شهر بغداد و قلعه مستحکم تکریت اطلاع یافت، توقتمش بار دیگر به مناطقی از ماوراءالنهر هجوم آورده و شهرها و روستاهای چندی را غارت کرده است. با شنیدن این خبر، تیمور به سرعت عازم دشت قیچاق شد و همان گونه که اشاره رفت، شکست سختی را در کنار رود ترک بر رقیب سرسخت خود وارد کرد. این پیروزی از جهات مختلف برای تیمور اهمیت داشت. علاوه بر راحتی خیال او از جانب مناطق شمال و شمال غربی قلمرواش که تهدیدی برای پایتخت او، سمرقند، نیز به شمار می‌آمد، از میدان به در کردن متحد سابق، مزیت دیگری را به همراه داشت: توقتمش در مقام فرمانروای اردوی زرین بود و به دلیل نسبتش با خاندان چنگیز و تسلط بر الوس قدرتمند جوچی، مدعی مقامی بالاتر از تیمور در قلمروی ترکی-مغولی بود و این مسأله برای تیمور بسیار سنگین و غیر قابل تحمل محسوب می‌شد (منز، ۱۳۷۷: ۹۷).

این نبرد در آینده نیز اهمیت خود را بیشتر نشان داد؛ چرا که خلاصی روسیه و شاهزادگان روسی از دست فرمانروایان اردوی زرین و به ویژه توقتمش، مسیر حوادث را در این سرزمین به گونه دیگری پیش برد که رونق و شکوه روزافزون شهر مسکو در مقام پایتخت جدید سرزمین پهناور روسیه را سرعت بخشید.

عوامل و انگیزه های این نبرد سرنوشت ساز، کیفیت رویارویی دو سپاه و نتیجه به دست آمده که همان پیروزی قاطع تیمور باشد، چندان محل منازعه نیست و عموم مورخان در آن اتفاق نظر دارند. آن چه که موضوع این پژوهش است، اختلافی است که در متون مختلف قدیم و جدید دربارهٔ حوادث پس از آن دیده می شود. اما این اختلاف چیست؟ مطابق اخبار نقل شده در بسیاری از منابع، سپاه تیمور پس از شکست سپاه اردوی زرین، پیشروی خود را به سمت مناطق شمالی ادامه داده و شهرهای آستاراخان (حاجی طرخان)، سرای (پایتخت اردوی زرین) و آبادی های اطراف رود ولگا را غارت و چپاول کرد. در اینجا و در حالی که برخی از تاریخ نگاران تیموری و به تبع ایشان گروهی از نویسندگان بعدی، مقصد بعدی تیمور را شهر مسکو دانسته و معتقدند که وی این شهر را تسخیر و غارت کرد، برخی دیگر از تأیید این مطلب خودداری کرده و یا به صراحت از انصراف او نسبت به ادامهٔ پیشروی در خاک روسیه سخن گفته اند.

در اینجا به چگونگی نقل این ماجرا در متون مختلف می پردازیم:

۱. متون دورهٔ تیموری

الف. منابع فارسی

در بررسی متون تاریخی قرن نهم، مشخص شد صریح ترین نظر راجع به این موضوع را شرف الدین علی یزدی بیان کرده است. وی در اثر خود که کامل ترین و دقیق ترین متن در مورد زندگی و فتوحات تیمور است و دقت داده های جغرافیایی و رویدادنگاری آن، مورد تصریح مورخ نامداری چون ادوارد گیبون (۳) واقع شده است (Gibbon, 1971: vol 2: 502, 757) (۴)، این گونه می نویسد: «شهر سرای و اوروس و اوروس جوق را نیز غارت کردند و تمامی الوس و ولایات را در تحت تصرف آوردند و مال و منال فزون از حد تخمین وهم و خیال، ضمیمه دیگر غنیمت ها گشت و گله و رمه بی حساب گرفتند و زنان و دختران صاحب جمال اسیر کردند.

گرفته لشکر سلطان آفاق بسی مه پیکران از دشت قبیچاق
پریوش دختران سرو بالا ظریف و چابک و دلبند و رعنا

حضرت صاحبقران به جانب مسکو- که هم از شهرهای روس است- نهضت فرمود و آنجا رسیده، سپاه ظفرپناه تمام آن ولایت را از شهر بیرون بتاختند و مجموع امرای آنجا را منکوب و مخدول ساختند و غنیمت بسیار به دست لشکریان افتاد.

برآورده از روسیان رستخیز
شده دشت، کوهی برافراخته

به نیروی بازوی شمشیر تیز
ز بس روسی بر هم انداخته

شهر اوروس قراسو نام را لشکر امیر صاحب‌قران با مجموع ولایت غارتیدند و امیرزاده امیرانشاه و جهان‌شاه بهادر در طلب دشمنان به دست راست تاخت کرده، روانه شدند و بسیاری از امرا با ایشان موافقت کردند و ولایت ایشان را که بر دست راست بود و بزرگ ایشان بیک خواجه بود و سرای و اوروس و اوروس چوق همه را در تحت تصرف آوردند و مجموع را غارتیده، مال‌ومنال و اسپ و استر و گاو و گوسفند بی‌حساب گرفتند و زنان و دختران صاحب جمال اسیر کردند و امیر صاحب‌قران به جانب شهر اوروس موشکو نام عزم کرد و بر همه آن ولایت تاخت کرده، غارتید و لشکریان غنیمت بی‌اندازه گرفتند» (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۱۶ - ۸۱۷).

از گفتار شرف الدین علی یزدی بر می آید که تیمور به جانب موشکو که همان مسکو باید باشد، هجوم آورده و تمام آن ولایت را غارت کرده است. این نظر را مؤلف روضه الصفا نیز تکرار کرده است: و حضرت صاحب قران چون به شهر مسکاو که از امهات بلاد روس است رسید، لشکریان مجموع آن ولایت را به باد غارت و تاراج دادند (میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۹: ۴۸۴۱).

در بین مورخانی که عصر تیمور را درک کرده و بعضاً در پاره ای از لشکرکشی‌های او حضور داشته اند، آثار نظام الدین شامی و حافظ ابرو خوشبختانه بر جای مانده است. البته مأخذ حافظ ابرو در ذکر این واقعه، ظفرنامه نظام الدین شامی است که در موارد متعددی به عنوان منبع اصلی در شرح جنگ‌ها و فتوحات تیمور از آن بهره برده و تنها تغییرات اندکی را در الفاظ و جمله بندی‌ها اعمال کرده است.

در زیر به چگونگی نقل واقعه از زبان هر دو مورخ می پردازیم. ابتدا ظفرنامه شامی: «شهر اوروس قراسو نام را لشکر امیر صاحب‌قران با مجموع ولایت غارتیدند و امیرزاده امیرانشاه و جهان‌شاه بهادر در طلب دشمنان بدست راست تاخت کرده، روانه شدند و بسیاری از امرا با ایشان موافقت کردند و ولایت ایشان را که بر دست راست بود و بزرگ ایشان بیک خواجه بود و سرای و اوروس و اوروس چوق همه را در تحت تصرف آوردند و مجموع را غارتیده، مال‌ومنال و اسپ و استر و گاو و گوسفند بی‌حساب گرفتند و زنان و دختران صاحب جمال اسیر کردند و امیر صاحب‌قران به جانب شهر اوروس موشکو نام عزم کرد و بر همه آن ولایت تاخت کرده، غارتید و لشکریان غنیمت بی‌اندازه گرفتند» (نظام الدین شامی، ۱۹۳۷: ۱۶۱)

همین عبارات را حافظ ابرو در زبده التواریخ این گونه نقل کرده است: "سرای واوروس و اوروس چوق را همه در تحت تصرف آوردند و مجموع را غارتیده مال و منال و اسب و استر و و گاو و گوسفند بی حساب گرفتند و زنان و دختران صاحب جمال اسیر کردند. امیر صاحبقران به جانب شهر ارس مسکو نام عزم کرد و بر همه آن ولایت تاخت کرده غارتیدند و لشکریان الجای بی اندازه گرفتند. امیرزاده محمد سلطان جمیع ولایت قاپوچی قراول که به این نام شهرت دارد، غارت کرد و دیگر جماعت کور بوقا و برلان و یورکون کیلاچی را چنان ساختند که سگان آن مواضع، ترک خان و مان گفته در بیابان ها متحیر و سرگردان می رفتند. فی الجمله مجموع آن نواحی را غارت کرده و اموال بسیار گرفته زنان و فرزندان ایشان را اسیر کردند" (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۰۳).

مقایسه دو متن فوق نشان می دهد عبارت حافظ ابرو با تغییرات اندکی برگرفته از ظفرنامه شامی است. همان گونه که در متن آمده، عبارت «امیر صاحبقران به جانب شهر ارس مسکو نام عزم کرد و بر همه آن ولایت تاخت کرده غارتیدند» که در اصل، گفته نظام الدین شامی است، دو پهلوست و مشخص نمی کند آیا شهر مسکو را هم لشکر تیمور تسخیر کرد یا خیر؟ می توان حدس زد نظام الدین شامی و به تبع او حافظ ابرو به دلیل عدم اطمینان از حدود پیشروی سپاه، این گونه مبهم سخن گفته اند. دلیل دیگری هم می شود برای این موضوع در نظر گرفت و آن عدم شناخت دقیق مورخان عصر از مناطق دوردستی چون روسیه و به طور خاص ناحیه مسکو است. حافظ ابرو که مهم ترین جغرافیدان ایرانی قرن نهم محسوب می شود، در اثر جغرافیایی خود، هیچ اشاره ای به آن نواحی ندارد و نزدیک ترین مناطق به آنجا که نامی از آن به میان آورده، بلاد فرنگستان و ارمنستان است و آن هم به اختصار (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵).

تاریخ خیرات، متن تاریخی منتشر نشده ای است که مؤلف آن، محمد بن فضل الله موسوی خراسانی، تقریباً هم زمان با ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، کار تألیف آن را آغاز کرد و در آن تاریخ عالم تا عصر شاهرخ را به اختصار شرح داده است. با وجود فشرده بودن اثر، وی به طور نسبتاً مشروح، مقدمات نبرد دو جنگ سالار را وصف کرده، می نویسد: «تقتمش خان چون از آن حال خبر یافت، لشکر جمع گردانید و متوجه شد. چون به یکدیگر رسیدند، آتش حرب در گرفت و از کثرت قتل و کشتن، جوی های خون در آن صحرا روان گشت. آخر الامر تقتمش خان فرار نمود و از آب ایتل (۵) درگذشت و در جنگل ها درآمد با معدودی چند. پس امیر صاحبقران اولوس وی را غارت کرد و کوه چرکس را تاخت و اوراق گرفت و نهب و تاراج بسیار کرد و بازگشت و زمستان [خوانده نشد] به لب آب

ترک قشلامیسی کرد و در همان زمستان حاجی ترخان و سرای را غارت کرد» (موسوی خراسانی، برگ ۱۷۳).

متن مهم دیگری که از حیث تاریخ تالیف، جزو آثار متقدم تاریخ نگاری تیموریان محسوب می‌شود، منتخب التواریخ معینی است. نحوه بیان مؤلف منتخب التواریخ، حاوی نوعی کلی‌گویی است و اشاره ای به نام شهرها در آن وجود ندارد. تنها به این نکته اشاره دارد که تمام نواحی روسیه که محل عبور سپاهیان تیمور بوده، غارت و ویران شده است: «سلطان صاحب‌قران به نفس مبارک خود روی به تکامیسی نهاد و در کنار رودخانه ایتل مجموع الوس اوزبک را به زیر دست‌وپای فروگرفت. بعد از آن لشکرهای ایلغار بر یمین و یسار آن دشت، متفرق شده تمامت بلاد روس و خزر که در ممر واقع بود، عالیها سافلها کردند. همچنین هر فوجی که روی به طرفی می‌نهاد، رطب و یابس را چون شعله آتش که در بیشه‌ای افتد، تارومار گردانیده، مراجعت می‌نمود. از کثرت غنایم و بسیاری کرانات که به دست آمده بود و رانده بودند، ساحه آن صحرای بزرگ به یورت لشکر وفا نمی‌کرد» (معین الدین نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

از مورخان که در نیمه دوم حکومت تیموری می‌زیستند، دو متن مهم مطلع سعدین و مجمع بحرین از عبدالرزاق سمرقندی و حبیب السیر از خواندمیر به این واقعه پرداخته اند. عبدالرزاق سمرقندی که بیشتر اطلاعات خود را از آثار حافظ ابرو گرفته و بعضاً رونویسی کرده، چنین آورده است: «شهر روس قراسو نام از تسلط بهادران بهرام انتقام غارت تمام یافت و امیرزاده امیرانشاه و جهانشاه و جمعی امرا به طلب دشمنان به طرف برانغار الوس جوجی رفتند و بیک خواجه و ایقول را یافته، الوس ایشان را تاختند و شهر سرای و اروس جوق را در تصرف آورده و مال و منال دختران صاحب جمال و پسران چون ماه در غایت کمال گرفتند و حضرت صاحب‌قران، از شهرهای روس، مسکو را تاخته، غارت کرد» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱/۲: ۷۱۳). دقت در متن نوشته نشان می‌دهد که عبدالرزاق هر چند تغییر کوچکی در جملات حافظ ابرو داده، ولی دانسته یا نادانسته با همین تغییر اندک، شهر مسکو را به طور قطع جزو مناطق غارت شده به دست تیمور برشمرده است.

حبیب السیر به عنوان آخرین متن فارسی متعلق به نویسندگان آن عصر، در این تحقیق مورد بررسی واقع شده است. عبارت نسبتاً کوتاه خواندمیر، در عین حال هوشمندانه نوشته شده و هیچ اشاره ای به مسکو و حتی نواحی اطراف آن ندارد: «عنان سمند جهان نورد به جانب روس تافت و آن ولایات را نیز زیر و زبر گردانیده، دختران ماه پیکر و پسران خورشید منظر به دست سپاه ظفر اثر افتاد و بعد از

فراغ بال از قتل و غارت الوس روس، صاحب قران به ناموس با لشکر قیامت اثر، عنان فرس به جانب قوم چرکس تافته، صدای قتل و غارت در آن ولایت نیز انداخته «خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۶۶».

ب. منابع عربی

متون تاریخی به زبان عربی که در قرن نهم نگاشته شده، حاوی آگاهی هایی در ارتباط با تیمور و جانشینان او هستند. صرف نظر از اثر مشهور ابن عربشاه با عنوان عجائب المقدور فی نوائب تیمور که اختصاصاً در مورد تیمور و با دیدی کاملاً منفی نسبت به وی نگاشته شده، آثار نویسندگان و مورخان بزرگی چون سخاوی، مقریزی، ابن تغری بردی، ابن قاضی شهبه، ابن حجر عسقلانی، ابن ایاس و ابن خلدون، دربرگیرنده اطلاعاتی جسته و گریخته راجع به شخص تیمور و جانشینان او به ویژه شاهرخ است.

ابن عربشاه که خود در کودکی تیمور را دیده و در ماجرای فتح شام به دست تیمور به سمرقند کوچ داده شد، از نبرد تیمور با توقتمش چنین یاد می کند: «ثم انجلى الغبار، عن أن انهزم جيش توقتاميش، و ولى الأديار و فرت عساكره و ابدعرت و انتشرت جنود تیمور فى ممالک الدشت و استعرت، و استولى على قبائلها، و أتى على ضبط أواخرها و أوائلها، و احتوى على الناطق فمازه و على الصامت فحازه، و جمع الغنائم، و فرق المغانم، و أباح النهب و الأسر، و أذاع القهر و القسر، و اطفأ فتائلهم، و أكفأ مقاولهم، و غير الأوضاع، و حمل ما استطاع، من الأموال و الأسرى و المتاع، و وصلت طراشته إلى أزاق و هدم سراى و سراى جوق و حاجى ترخان، و تلك الأفاق» (ابن عربشاه، ۲۰۰۸: ۸۴).

مقریزی نیز در کتاب خود با عنوان درر العقود الفريده فى تراجم الاعيان المفيدة، همانند ابن عربشاه تنها به تصرف و انهدام شهرهای آزاق و سراى و سراى جوق و حاجى ترخان اشاره می کند و از مسکو سخنی به میان نمی آورد (مقریزی، ۲۰۰۲، ج ۱: ۵۲۳). مقایسه دو متن نشان می دهد که مقریزی به احتمال فراوان از اثر ابن عربشاه بهره برده و آن را به صورت خلاصه بیان کرده است. دیگر مورخ عرب قرن نهم هجری که به تیمور و تکاپوهای سیاسی - نظامی او پرداخته، ابن حجر عسقلانی است. وی نیز در کتاب انباء الغمر بانباء العمر فى التاريخ در این خصوص سکوت کرده و مطلبی را بیان نمی دارد (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۶۹، ج ۳: ۲۴۲ - ۲۵۲).

۲. منابع جدید

الف. آثار فارسی

در بین آثار فارسی، دو دایره المعارف مهم و در حال انتشار؛ یعنی دایره المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام، در ذیل مدخل تیمور گورکان به این موضوع پرداخته اند. نویسنده مدخل تیمور در جلد شانزدهم دایره المعارف بزرگ اسلامی پس از اشاره به پیروزی تیمور و ویرانی برخی از شهرها مانند حاجی ترخان، می نویسد که او تا مسکو پیش رفت و آنجا را نیز غارت کرد (دیانت، ۱۳۸۷: ۶۶۷). این در حالی است که مدخل تیمور در جلد هشتم دانشنامه جهان اسلام، با صراحت بیشتری بر این مسأله صحه گذاشته و بر این باور است که تیمور «برای سرکوبی توقتمش خان به دشت قپچاق اردو کشید و بار دیگر توقتمش را در کنار نهر ترک در قفقاز شکست داد و تا روسیه نفوذ کرد و مسکو را نیز گرفت» (آزند، ۱۳۸۳: ۸۲۴). تقریباً اکثر منابع متأخر که به قلم نویسندگان ایرانی است، همین روایت را پذیرفته و شهر مسکو را جزو فتوحات تیمور بر شمرده اند. (۶)

ب. منابع غربی

در بین مورخان متقدم اروپایی، ادوارد گیبون از جمله کسانی است که به طور نسبتاً مشروح به نبرد میان تیمور و توقتمش پرداخته و تحلیلی نیز نسبت به آن بیان داشته است. گیبون علاوه بر دسترسی به منابع روسی و اروپایی، از ترجمه فرانسوی ظفرنامه (۷) شرف الدین علی یزدی نیز بهره برده است. وی در فصل شصت و پنجم از کتاب زوال و سقوط امپراطوری روم و در شرح جنگاوری‌ها و کشورگشایی‌های تیمور، پس از ذکر زمینه‌های بروز جنگ بین دو سردار آسیایی، به موقعیت متزلزل شهر مسکو اشاره می‌کند. به اعتقاد گیبون از دید مردم و سران شهر، مقاومت در برابر سپاه تیمور، که آوازه خونریزی‌ها و تاراج‌های ایشان عالمگیر شده بود، امری ابلهانه و غیر ممکن تلقی می‌شد. در این حالت تنها امید ساکنان شهر به تصویر مریم مقدس بود که در کلیسای شهر قرار داشت. مسکو از گزند تیمور و لشکرش در امان ماند اما گیبون این خوش اقبالی را بر اثر دوراندیشی تیمور می‌داند که به جای پیشروی به سمت مسکو و تسخیر آن شهر، مسیر خود را به سمت جنوب و نهایتاً انطاکیه تغییر داد (Gibbon, 1971: vol 2: 497).

آرمینیوس وامبری در کتابی که با عنوان تاریخ بخارا نگاشته، بر مبنای نوشته‌های گیبون به ذکر این رویداد پرداخته و می‌نویسد: «مردمان مسکو چنان که گیبون به درستی دریافته است، دریافتند که از شمایل مریم عذرا کاری ساخته نیست و نمی‌تواند آنها را در پناه خویش بگیرد. برای همین با زیرکی

به سوی پهلوان شهرهای فرارود رفته و نسبت به او اظهار دوستی کردند و تیمور پس از این یورش که ۱۱ ماه به درازا کشید، با شمار بسیاری از اسیران که کسان و زنان دشمنان نیز در میان آنها بودند و با همه گنج ها و گوهرهای شمال با سربلندی به کشورش بازگشت» (وامبری، ۱۳۸۰: ۱۹۹)

وی در ادامه تصریح می کند که تیمور در تعقیب توقتمش نهایتاً مسکو را نیز تصرف کرد: «بدین ترتیب توقتمش شکست خورد و به صحرای جنوبی سیبری گریخت. تیمور او را در سرزمین روسیه دنبال می کرد تا به مسکو در آمد و آن را تاراج کرد. سپس کوورجوک پسر اوروس را به نمایندگی خود بر آن گماشت. آن گاه به سرزمین گرج بازگشت تا به فهرست پیروزی های پیشین پیروزی دیگری بیفزاید» (همان: ۲۰۳). نظر وامبری در این دو بخش از کتابش متناقض است و معلوم نیست چرا در حالی که از ابراز دوستی مردم مسکو نسبت به تیمور سخن می راند، در ادامه به تاراج آن جا به دست تیمور اشاره می کند. ویل دورانت در اثر مشهور خود، تاریخ تمدن به هجوم تیمور به سرزمین روسیه اشاره کرده و می نویسد که اهالی روسیه در تمام مناطق دست به دعا برداشته و به مریم عذرای کلیسای ولادیمیر مسکو متوسل شدند و از او خواستند که ناجی شهر مسکو باشد. وی بر این اعتقاد است که بی آب و علفی استپ های پهناور روسیه نهایتاً به داد مسکو رسید و تیمور را از تسخیر مسکو منصرف کرد (دورانت، ۱۳۶۸: ۷۹۱).

امپراطوری صحرانوردان (۸)، اثر شناخته شده رنه گروسه (۹) مورخ سرشناس فرانسوی، که در حوزه تاریخ آسیای مرکزی از اهمیت بسزایی برخوردار است، مأخذ دیگری است که به وضوح فتح مسکو به دست تیمور را مردود دانسته و می نویسد: تیمور پیشروی خود را تا شهر یلتس (۱۰) (Yelets) در منتهی الیه خانات مغولی قیچاق و در مسیر شمالی رود دن ادامه داد، ولی به جانب شهر مسکو نرفت (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۳۱) در بین پژوهشگران معاصر غربی، سه نام هانس روبرت رویمر، بئاتریس فوربز منز و ماریا اوا سابلنی در زمینه مطالعات تیموری شناخته شده هستند. رویمر در فصل مربوط به تیمور در تاریخ ایران کمبریج، ضمن اشاره به غنایم و اسیران فراوانی که به دست تیمور افتاد، بر تسخیر شهرهای جنوبی رود ولگا تأکید کرده و فتح مسکو به دست او را بی پایه و داستان می پندارد (Roemer, 2009: 73). (۱۱)

منز نیز به رغم آن که کتابش اختصاصاً در مورد زندگی تیمور است، با جمله ای ابهام آمیز از این واقعه سخن گفته و به ذکر عبارت «سپاه تیمور تا مسکو پیشروی کرد» (منز، ۱۳۷۷: ۹۹)، بسنده کرده

است. سابیتلی هم که عهده دار تألیف فصل مربوط به تیموریان در جلد سوم تاریخ جدید اسلام کمبریج (۱۲) بوده، با اشاره به نبرد تیمور با سپاه اردوی زرین و غارت شهرهای حوزه رود ولگا، هیچ اشاره‌ای به



فتح مسکو، نغیا یا اثباتاً، انجام نداده است (Subtelny, 2010: 176)؛ ولی نقشه مندرج در این کتاب که نشان دهنده فتوحات تیمور است، پیشروی وی تا شهر یلتس را تأیید می‌کند (نقشه بالا). آثاری که به صورت مستقل به تاریخ روسیه پرداخته اند، عموماً ضمن اشاره به در امان ماندن شهر مسکو از هجوم تیمور، علت منصرف شدن ناگهانی وی از حمله به مسکو را به حمایت معجزه آسای شمایل مریم مقدس نسبت داده اند که خلیفه کلیسای ارتدوکس از شهر ولادیمیر (۱۳) به کلیسای مسکو آورده و عملاً این شهر را به مقام مرکز کلیسای ارتدوکس ارتقا بخشیده بود (والتر، ۱۳۶۳: ۱۵۷). اهمیت واقعه مورد بحث به حدی بوده که در منابع عمومی و دایره المعارف‌های مهم غربی هم مطرح شده و بر آن صحنه گذاشته شد است. در بین دایره المعارف‌های موجود به زبان انگلیسی دو

دایره المعارف بریتانیکا (Encyclopedia Britannica) و اینترنشنال (Encyclopedia International) فتح مسکو به دست سپاه تیمور را تایید کرده اند. با این توضیح که دایره المعارف بریتانیکا در بخش موسوم به ماکروپدیا (Macropedia: Knowledge in Depth) اشاره ای به این موضوع ندارد (جلد ۲۶: ۹۶۸) ولی در میکروپدیا (Micropedia: Ready Reference) می نویسد برای یک سال مسکو تحت اشغال سپاه تیمور بوده است (ج ۱۱: ۷۸۴).

منبع دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، دایره المعارف مفصل فرهنگ قرون وسطی (Dictionary of Middle Ages) است که در ذیل مدخل مسکوی به درگیری های تیمور با توقتمش اشاره دارد، ولی نظر صریحی نسبت به فتح شهر مسکو توسط تیمور و یا نکته ای خلاف آن ندارد. تنها می نویسد که شکست توقتمش از تیمور و رانده شدن او از استپ های روسیه، موجب شد مسکو برای همیشه در قلمروی نیزنی نووگورود (۱۴) قرار گیرد (Strayer, 1989: vol 8: 540).

از بررسی روایت های مندرج در متون مختلفی که به موضوع مورد بحث پرداخته اند، اعم از متون فارسی و عربی دوره تیموری، تحقیقات جدید نویسندگان ایرانی و نوشته های پژوهشگران غربی می توان چنین نتیجه گیری کرد: تیمور در سال ۷۹۷ ق. پس از شکست سختی که بر رقیبش توقتمش وارد کرد، به غارت برخی از نواحی سرزمین روسیه و به خصوص مناطق جنوبی رود ولگا پرداخت ولی از ادامه مسیر به سمت شمال و تسخیر شهر مسکو منصرف شد. همان گونه که در برخی منابع ذکر شده، علت اصلی این تصمیم، نبود آذوقه و علوفه مناسب، سرد بودن هوا، شرایط جوی نامناسب مسکو و نگرانی از بابت از پای درآمدن سربازان بوده است. باید اذعان کرد نبوغ نظامی تیمور که مانع از تلف شدن احتمالی سپاهیان خسته او شد، عامل اصلی در اخذ این تصمیم تاریخی و هوشمندانه بوده است. چه بسا اگر این دوراندهی را فاتحان بعدی نظیر ناپلئون و هیتلر به کار می بستند، سرنوشتی دیگرگون در انتظارشان بود. تیمور نه تنها خود و سپاهیانش را از ورطه نبردی با فرجام نامشخص نجات داد، بلکه خیال مسکونشینان را از بابت مزاحمت های توقتمش برای همیشه آسوده ساخت.

اما اختلاف در روایت ها را چگونه می توان تحلیل کرد؟ همان گونه که ذکر شد، در مجموع دو دیدگاه را در منابع مورد بررسی می توان مشاهده کرد: نخست فتح مسکو به دست تیمور و دیگر عدم تسخیر این شهر توسط تیمور. البته همان گونه که طرح شد، نظر اخیر به معنای شکست تیمور نیست، بلکه یا از انجام این کار منصرف شده و یا اصولاً از ابتدا هم چنین خیالی در ذهن نداشته است. به هر حال با توجه به داده های موجود به نظر می رسد نظر دوم صحیح بوده و مطابقت بیشتری با مستندات

تاریخی دارد. در این صورت چگونه می‌توان نظر مورخانی چون شرف‌الدین علی یزدی را که بر فتح مسکو تصریح دارد و طبیعتاً آثار بعدی هم به او تأسی جسته‌اند، توجیه کرد؟ در این خصوص چند گزینه قابلیت طرح دارد:

۱- مورخان تیموری با توجه به بُعد مکان و عدم شناخت دقیق از جغرافیای سرزمین پهناور روسیه، نتوانستند واقعیت را به درستی درک کنند. اصولاً سرزمین روسیه از قرون پیشین برای مورخان و حتی جغرافی دانان مسلمان ناشناخته بود و ایشان آگاهی‌هایی کمی نسبت به آن مناطق داشتند. آن گونه که سیاحانی نظیر ابن حوقل و ابن فضلان از عدم شناخت مسلمانان از روزگار و تجارت ساکنان آن سرزمین نوشته و حتی می‌نویسند کسی جرأت نمی‌کرده به آن سرزمین سفر کند، چرا که مردم روس هر بیگانه‌ای را که می‌دیدند، به قتل می‌رساندند (ابن فضلان، ۱۴۱۳: ۴۰). اطلاعات درج شده در آثار نویسندگان فوق و به تبع ایشان، یاقوت حموی و نظایر او، به فرض مورد مطالعه واقع شدن هم، آگاهی‌های چندان گسترده‌ای در اختیار مورخان تیموری نمی‌نهاد. به این نکته باید اشاره کرد که همین شناخت محدود جغرافیدانان مسلمان از سرزمین روسیه، آمیخته به نوعی از افسانه و باورهای عجیب بود. برای نمونه می‌توان به نظر ابن حوقل در خصوص رود اتل، که پیش‌تر ذکر آن رفت، اشاره کرد که سرچشمه آن را از ظلمات می‌داند و معتقد است هیچ کس ابتدا و انتهای آن را ندیده است (ابن حوقل: ۳۳۰).

۲- میل به بزرگ‌نمایی فتوحات تیمور و عراق در ذکر نواحی مفتوحه.

۳- توجه به دو مفهوم: نخست مسکو در مقام یک شهر و دیگر مسکوی به مثابه یک استان (ولایت). بر این مبنا می‌توان فرض کرد سربازان تیمور، بخش‌هایی از این ولایت را عرصه تاخت و تاز قرار داده، ولی وارد شهر مسکو نشده‌اند. از یاد نبریم که تا مدت‌ها بعد نیز تمایز دقیقی بین این مناطق نزد ایرانیان وجود نداشت. به گونه‌ای که در ایران اوایل دوره صفوی، سلطان روس را، والی مسکو می‌گفتند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱: ۷۸۷، ۷۹۴). آشنایی با تاریخ روسیه در قرون سیزده و چهارده میلادی (هفتم و هشتم هجری) و توجه به پدیده ظهور روسیه، مسکوی به جای روسیه کیفی (که شهر کیف مرکز سیاسی و اقتصادی آن بود)، به درک بهتر این مسأله کمک می‌کند.

۴- همان گونه که ذکر شد، صریح‌ترین نظر در خصوص فتح مسکو از جانب شرف‌الدین علی یزدی مطرح شده است. باید دقت داشت، وی به رغم آن که در ذکر اطلاعات و شرح جزئیات دقیق

عمل کرده و دسترسی گسترده ای به منابع و روزنامه های موجود در خزائن دربار ابراهیم سلطان تیموری در شیراز داشته (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۴۷)، ولی سالها پس از واقعه اثر خود را به رشته تحریر در آورده است. در واقع، با احتساب سال ۸۲۸ ق. برای آغاز تدوین ظفرنامه، فاصله ای بیش از سی سال بین زمان وقوع حادثه و شروع تألیف کتاب وجود دارد. این واقعیت را می توان در این بررسی مورد توجه قرار داد.

نتیجه

از بررسی فحوای متون مختلف دوره تیموری و تحقیقات جدید نویسندگان ایرانی و پژوهشگران غربی چنین بر می آید که: تیمور در سال ۷۹۷ ق. به غارت برخی از نواحی روسیه و به خصوص مناطق جنوبی رود ولگا پرداخت اما او از ادامه ی فتوحات خود در مسیر شمال و تسخیر شهر مسکو منصرف شد. نبود آذوقه و علوفه مناسب، سرد بودن هوا، شرایط جوی نامناسب مسکو و نگرانی بابت از پای درآمدن سربازان مهمترین علت بوده است. اختلاف روایت های متون تاریخی، دو دیدگاه را ارائه می دهد: نخست فتح مسکو به دست تیمور و دیگر عدم تسخیر این شهر توسط تیمور است. به هر حال با توجه به داده های موجود به نظر می رسد: مورخان تیموری با توجه به بُعد مکان و عدم شناخت دقیق از جغرافیای سرزمین پهناور روسیه، نتوانستند واقعیت را به درستی درک کنند. اصولاً سرزمین روسیه از قرون پیشین برای مورخان و حتی جغرافی دانان مسلمان ناشناخته بود. همان گونه که سیاحانی نظیر ابن حوقل و ابن فضلان از عدم شناخت مسلمانان از روزگار و تجارت ساکنان آن سرزمین نوشته اند. اطلاعات درج شده در آثار فوق و همچنین یاقوت حموی و دیگران، آگاهی های چندان گسترده ای در اختیار مورخان تیموری نمی نهاد. به این نکته باید اشاره کرد که همین شناخت محدود جغرافی دانان مسلمان از سرزمین روسیه، آمیخته به نوعی از افسانه و باورهای عجیب بود. از سویی هم میل به بزرگ نمایی فتوحات تیمور و اغراق در ذکر نواحی مفتوحه تاثیر زیادی در این اغلاط تاریخی داشته است. توجه به دو مفهوم: نخست مسکو در مقام یک شهر و دیگر مسکوی به مثابه یک استان (ولایت) هم می توانسته در این نحوه برداشت موثر باشد. بر این مبنا می توان فرض کرد سربازان تیمور، بخش هایی از این ولایت را عرصه تاخت و تاز قرار داده، ولی وارد شهر مسکو نشده اند. صریح ترین نظر در خصوص فتح مسکو از جانب شرف الدین علی یزدی مطرح شده است. باید دقت داشت، وی به رغم آن که در ذکر اطلاعات و شرح جزئیات دقیق عمل کرده و دسترسی گسترده ای به منابع موجود در

خزائن دربار ابراهیم سلطان تیموری در شیراز داشته ولی سالها پس از واقعه، اثر خود را به رشته تحریر درآورده است.

یادداشت‌ها

۱- کلمه توقتمیش مرکب از فعل مغولی «توغتا» به معنای آرمیدن و «میش» به عنوان شناسه فعل ماضی ترکی؛ به معنای آرامش یافته است. در استان گلستان روستایی به نام پشمک توقتمش وجود دارد که از توابع شهرستان آزادشهر است.

۲- سغناق شهری است در جنوب رود سیحون که ساکنان آن در هجوم مغولان به قلمروی خوارزمشاهیان، مقاومت زیادی از خود نشان دادند.

3 - Edward Gibbon (1737 – 1794)

۴- ترجمه فارسی اثر گیبون با عنوان *عظمت و انحطاط امپراطوری روم* با ترجمه فرنگیس شادمان، بر اساس متن خلاصه شده دیوید موریس لو است که فاقد بخش‌های مورد ارجاع در این مقاله است. بنابراین از متن انگلیسی اثر استفاده شده است.

۵- ایتل یا اتل نامی است که ترکان بر رود ولگا نهاده بودند. همچنین نام شهری در کنار این رود که زمانی تختگاه خزران بود. نام باستانی این رود «را» بوده که در اصل واژه ای فنلاندی است (رضا، ۱۳۷۳: ۵۶۳).

۶- برای نمونه نگاه کنید به: امیر تیمور رفیعی (۱۳۹۰). *ظهور تیمور و فتح سراسری ایران*. قم: ابتکار دانش، ص ۳۱۱.

۷- این ترجمه با مشخصات زیر در سال ۱۷۲۳م. منتشر شده است: *Histoire de Timur -Bec connu en ecritesous le nom du Grand Tamerland empereur des Mogols et Tartares. roix la de Petit par francais en traduite; Yesd'd natif, Ali Cherefeddin par Persan*

8- L,empire des steppes: Attilas, Gengis -Khan Tamerlan

9 - Grousset, Rene(۱۸۸۷-۱۹۵۲)

۱۰- موقعیت این شهر در نقشه به عنوان شمالی ترین ناحیه مفتوحه به دست تیمور مشخص شده است.

۱۱- به رغم صراحتی که در بیان رویمر وجود دارد، مترجم کتاب به زبان فارسی، جمله او را به گونه ای دیگر نوشته و در برابر عبارت *Stories of Timur advancing as far as Moscow have no basis in*

"fact" آورده: "ماجراهای تیمور دهن به دهن گشت و به مسکو رسید البته بی هیچ ضابطه ای" (ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر جامی ، ص ۸۲).

12- The new Cambridge History of Islam

۱۳- شهر ولادیمیر (Vladimir) مرکز استانی به همین نام بوده و در ۱۹۳ کیلومتری شرق مسکو واقع شده است. پیش از مسکو پایتخت روسیه محسوب می شده است.

۱۴ - Nischni Nowgorod نام استانی در روسیه که مرکز آن به همین نام، چهارمین شهر بزرگ روسیه محسوب می شود.



منابع

- آزند، یعقوب (۱۳۸۳). "تیمور گورکان". در دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ج ۸، ص ۸۲۲ - ۸۲۶.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۹۶۹). انباء الغمر بانباء العمر فی التاريخ. تحت مراقبه محمد عبدالمعید خان. حیدرآباد دکن: مطبوعات دایره المعارف العثمانیه.
- ابن حوقل. محمد بن حوقل. صورہ الارض. [تصحیح کرامرز]. بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد (۲۰۰۸). عجائب المقدر فی نوائب تیمور. محقق سهیل زکار. دمشق: نشر التکوین.
- ابن فضلان، احمد بن فضلان (۱۴۱۳). رساله ابن فضلان. حقه سامی الدهان. بیروت: دار صادر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷). مرآة البلدان. با تصحیحات و حواشی و فهارس به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهائیم محدث. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- بریانچانینوف، نیکالای (۱۳۵۷). تاریخ روسیه (از آغاز تا انقلاب اکتبر). ترجمه و اقتباس خانبابا بیانی. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۵). جغرافیای حافظ ابرو. مقدمه تصحیح و تحقیق صادق سجادی. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- همو (۱۳۸۰). زبده التواریخ (ربع چهارم مجمع التواریخ سلطانیه). مقدمه، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سیدجوادی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۵۳). تاریخ حبیب السیر. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
- دورانت، ویلیام (۱۳۶۸). اصلاح دینی (تاریخ تمدن. ج ۶). ترجمه پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دیانت، علی اکبر (۱۳۸۷). "تیمور گورکان". در دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، ص ۶۶۳ - ۶۷۰.
- رضا، عنایت الله (۱۳۷۳). "اتل". در دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۵۶۳ - ۵۶۶.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۹۹۲). الذیل التام علی دول الاسلام للذهبی. حقه وعلق علیه حسن اسماعیل مروء؛ قراه و قدم له محمودالارناؤوط. کویت: مکتبه دارالعروبه؛ بیروت: دارابن العماد.

- شرف الدین علی یزدی (۱۳۸۷). ظفرنامه. به اهتمام عبدالحسین نوایی، سعید میرمحمد صادق. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال الدین (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گروه، رنه (۱۳۵۳). امپراطوری صحرانوردان. ترجمه و تحشیه عبدالحسین میکده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین الدین نطنزی (۱۳۸۳). منتخب التواریخ معینی. به اهتمام پروین استخری. تهران: اساطیر.
- مقریزی، احمد بن علی (۲۰۰۲). درر العقود الفریده فی تراجم الاعیان المفیده. حقه و علق علیه محمود الجلیلی. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- منز، بثاتریس فوریز (۱۳۷۷). برآمدن و فرمانروایی تیمور. ترجمه منصور صفت گل. تهران: مرکز خدمات فرهنگی رسا.
- موسوی، فضل الله (۱۳۸۷). "تقتمش". در دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۳ - ۲۵.
- موسوی خراسانی، محمدبن فضل الله. تاریخ خیرات. نسخه خطی شماره ۶۱ - ب کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- میرخوانده، محمد بن خاوند شاه، تاریخ روضه الصفا. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- نظام الدین شامی (۱۹۳۷). تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکان معروف به ظفرنامه. به تصحیح فلکس تاور. پراگ: انستیتوی شرق شناسی.
- والتر (۱۳۶۳). تاریخ روسیه از پیدایش تا ۱۹۱۵: با یک نقشه و ۷۵ گراور. ترجمه و مقدمه نجفقلی معزی حسام الدوله. تهران: کتابفروشی حافظ.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۸۰). تاریخ بخارا: از کهن ترین روزگاران تا کنون. ترجمه عربی احمد محمود ساداتی. پاریس: گردان محمد روحانی. تهران: سروش.

Encyclopedia Britannica (2010). Chicago: Encyclopedia Britannica Inc

Encyclopedia International (1973). New York: Grolier Book Company.

Gibbon, Edward (1971). The Decline and Fall of the Roman Empire. Chicago : Encyclopedia Britannica.

Roemer, Hans Robert (2009). "Timur in Iran". In *Cambridge History of Iran, Vol 6, The Timurid and Safavid Periods*. Cambridge: Cambridge University Press.

Strayer, Joseph Rees (1989). *Dictionary of the middle ages*. New York: Charles Scribner's Sons.

Subtelny, Maria Eva (2010). *Tamerlane and his descendants: from paladins to patrons*. in *The new Cambridge History of Islam, vol. 3 : The Eastern Islamic World Eleventh to Eighteenth Centuries*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp. 169 – 200 .

